

باسمه تعالی

عنوان کرسی: خوانش مهم ترین اقدامات فرهنگی جعفر ابن ایطالب در دو سال اول حضور در حبشه

ارائه دهندگان: حجت الاسلام دکتر سید حسین شفیعی دارابی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه) و

حجت الاسلام فرهاد پور کیوان (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: حجت الاسلام محمد صادق اخوان (هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد دوم: حجت الاسلام دکتر حسن صادقی پناه (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

مدیر کرسی: سید اباذر هاشمی (معاون پژوهش دانشگاه مجازی المصطفی)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: سه شنبه (۲۲ اسفند ۱۴۰۲)، ساعت ۱۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجج اسلام دکتر شفیعی دارابی و پورکیوان به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجج اسلام دکتر شفیعی دارابی و پورکیوان به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

مفاد روشن آیه شریفه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» و دیگر آیات قرآنی همخوان با آن؛ و نیز مضمون حدیث نبوی «(با علیؑ، لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ)» و ده ها روایت مشابه آن؛ حاکی از اینست که اقدام فرهنگی مفید در عرصه تبلیغ دینی، از ابتدای رسالت رسول اکرم (ص)، مورد توجه آن بزرگوار بوده است؛ منتهی در طول سه سال اول بعثت، به صورت پنهانی به این امر مهم می پرداخت؛ اما با نزول آیه «إنذار»، بادعوت از خویشاوندان، و با نزول آیه ۹۴ از سوره حجر، با فراخواندن سایر اقشار، بصورت آشکار به تبلیغ از دین اسلام پرداخت؛ از آن پس، تمام مردم پیرامون این اقدام آن حضرت صحبت می نمودند و اخبار آن به خارج

از مکه نیز سرایت نمود.؛ اما از سال چهارم بعثت کفار برخورد فیزیکی، شکنجه، و حتی قتل تازه مسلمانان؛ و مقابله همه جانبه با دین را شروع نمودند

رسول خدا (ص) با مشاهده این اقدامات هنجار شکنانه کفار قریش، خطاب به مسلمانان فرمودند: «... به سرزمین حبشه سفر کنید... آنجا سرزمین دوستی و پاکی است و شماها می‌توانید در آن سرزمین به سر ببرید تا خدا فرجی برای شما پیش آورد»؛ در پی صدور این سخن، زمینه برای هجرت مسلمانان به حبشه فراهم آمد.

بر اساس نقل مشهور، این هجرت، در دو مرحله صورت پذیرفت: هجرت اول به رهبری «عثمان بن مظعون» بود و هجرت دوم به سرپرستی جعفر بن ابی طالب (ع) رخ داد.

فرضیه تحقیق مبتنی بر این است که حضرت جعفر طیار (ع)، در طول دوسال اول حضور در حبشه، اقدامات فرهنگی دینی متنوعی را انجام دادند؛ البته همه آنها معلول توجه این صحابه بزرگ نبوی به اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام؛ و برآمده از باور وی به ولایت نبی مکرم (ص) می‌باشد.

بی تردید، آگاهی از مصادیق و کیفیت اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در بازه زمانی دوسال اول حضورش در حبشه، می‌تواند زمینه را برای الگوگیری از آن بزرگوار در جهت شناسائی تهاجم (بلکه شیخون) فرهنگی در دوره کنونی، و شیوه مطلوب در مان آنها و کیفیت درست مواجهه و مقابله با آنها را برای ما فراهم آورد.

دست یابی به اهدافی همچون: ابهام زدایی، رفع خلاء معرفتی نسبت به کارکرد فرهنگی جعفر بن ابیطالب (ع) در دوسال اول حضورش در حبشه، ارائه نگاهشته ای مستقل در این حوزه خاص، ساماندهی اطلاعات و جبران کمبودها و کاستیهای معرفتی مربوطه (که تاکنون باقیود ملحوظ در عنوان تحقیق، مورد توجه محققین نبوده است)؛ ضرورت روی آوری به پژوهش حاضر را می‌رساند. ضمناً روش مورد استفاده در انجام این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است، و به دیده هدف بنیادی و کاربردی صورت پذیرفته؛ و در پی پاسخ به این پرسش است که: مهمترین اقدامات فرهنگی جعفر طیار در طول دوسال اول حضورش در حبشه، چه بوده و چگونه تحلیل می‌شود؟

مدعای اصلی و محوری در این مقاله اینست که: حضرت جعفر طیار (ع)، در طول دوسال اول حضور خود در حبشه، اقدامات فرهنگی دینی متنوعی را انجام دادند؛ البته همه آنها معلول توجه این صحابه بزرگ نبوی به اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام؛ و برآمده از ولایتمداری وی نسبت به ولایت نبی مکرم (ص) می‌باشد؛ و این مدعا کاملاً همخوان با مفاد نقل های تاریخی، حدیثی، تفسیری مورخان، محدثان و مفسران فریقین می‌باشد.

بی تردید، آگاهی از مصادیق و کیفیت اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در بازه زمانی دوسال اول حضورش در حبشه، می‌تواند زمینه را برای الگوگیری از آن بزرگوار در جهت شناسائی تهاجم (بلکه شیخون) فرهنگی در دوره کنونی، و شیوه مطلوب در مان آنها و کیفیت درست مواجهه و مقابله با آنها را برای ما فراهم آورد.

مفهوم شناسی

(۱) مفهوم «خوانش»

برخی از دانشوران لغوی فارسی نگار؛ در مقام بیان معنی واژه «خوانش»، تعبیر متنوعی همچون: قرائت، برداشت، استنباط، درک. تأویل، و تفسیر را ذکر کرده اند؛ مقصود نویسندگان از این تعبیر در این نگاشته؛ عبارت است از: «خواندن همراه با تحلیل».

(۲) مفهوم «تکلیف مداری»

طبق گفته ارباب لغت، واژه تکلیف مأخوذ از «کلفت»؛ یعنی، زحمت و مشقت است. و در اصطلاح، اوامر، نواهی شرعی و الزامات قانونی را تکلیف گویند.

به نظری رسد ترکیب واژه تکلیف با واژه «مدار»، مترادف با تکلیف محوری و تکلیف گرای، در حیطه‌ی تکلیف بوده باشد (3) مفهوم «فرهنگی»

واژه «فرهنگی»، منسوب به «فرهنگ» می باشد. برخی از محققان در جهت تبیین معنی این کلمه، چنین آورده اند: «فرهنگ، واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء "فر" و "هنگ" است. "فر" به معنای شکوه و عظمت و اگر به عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. "هنگ" از ریشه اوستایی سنگ به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. واژه مرکب "فرهنگ" به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است

اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متنوع است، و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است؛ از جمله: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر، حکمت، شاخ درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند، و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی.

یکی از پژوهشگران در حوزه «ادبیات»؛ پس از طرح این پرسش: «فرهنگ و فرهنگی چه تفاوتی دارند؟»؛ اینگونه پاسخ داده است: «در واژه فرهنگی، «ی» نسبت است که بنابر آن «فرهنگی» موجودی مستقل است که به فرهنگ منسوب شده است. در نتیجه باید فرهنگ به عنوان یک مفهوم اولیه و پیشینی شناخته شده باشد تا بتوان با ایجاد نسبت میان شیء با فرهنگ به آن ماهیت جدیدی تحت عنوان شیء فرهنگی داد. پس فرهنگ، مفهوم مبنا و فرهنگی مفهوم تابع است».

به نظر می رسد مفهوم فرهنگ با تعریف ارائه شده عام است و فعالیت های غیر دینی را نیز در بر می گیرد، اما در پژوهش حاضر مراد نویسندگان از فرهنگ، به مفهوم عقیده، برداشت و تلقی انسان مومن به ارزش‌ها و باورهای اسلامی (تحصیل شده از قرآن، سنت) و نیز تبلیغ ارزشها و باورهای دینی است.

۴) مفهوم «هجرت»

راغب اصفهانی گوید: «هجرت» از ماده «هجر» به معنای «ترک» و «جدایی» است؛ و «مهاجرت در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است». در آیات قرآن کریم نیز، کاربرد واژگان مأخوذ از ماده «هجر» در معنی «ترک» و «دوری جستن»، در آیه ۱۰ سوره مزمل و ۳۴ نساء مشاهده می شود.

۵) مفهوم «حبشه»

واژه «حبشه»، نام سرزمینی کهن در مشرق قاره آفریقا است که مشتمل بر کشورهای کنونی: اتیوپی، اریتره، جیبوتی و سومالی می باشد. در حال حاضر بزرگترین بخش آن، کشور اتیوپی را تشکیل می دهد. همچنین «حبشه» به معنای جماعتی است که از قبیله واحدی نیستند؛ و از آنجا که ملت حبشه از قبایل واحدی نبودند، به آنها «احابیش» اطلاق می شده است.

دو خاستگاه بنیادین اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع)

با تتبع در مفاد برخی از آیات، روایات و متون تاریخی، مشخص می شود که خاستگاه مجموعه اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع)، متکی بر دو رکن اساسی بوده است:

الف) ولایت پذیری محض نسبت به نبی مکرم (ص)؛ وجود این خصلت بلند جعفر بن ابیطالب (ع) را می توان از امثال محض این شهید والا مقام نسبت به مجموعه گفتار نبی مکرم اسلام (ص)؛ خاصه سخنان آن حضرت به هنگام توصیه مسلمانان برای هجرت به حبشه استنباط نمود. البته پاسخ مثبت دادن به این توصیه نبوی، از نوع عمل به واجب کفایی آن بوده است، زیرا عدم هجرت باقی مسلمین، مورد عتاب نبی مکرم (ص) قرار نگرفت؛ و نیز می توان گفت: هجرت جمعی از مسلمانان به حبشه، ضرورت داشته زیرا جدا از فراهم آمدن زمینه برای تخلص آنان از شکنجه کفار؛ انتشار اسلام در خارج از مکه نیز، امری ضروری تلقی می شده؛ از سوی دیگر نیز لازم بوده که برخی از باورمندان به اسلام، در مکه حضور داشته باشند تا جبهه رزمندگان اسلام در مقابله با کفار، بی یاور نشود.

ب) پای بندی عملی نسبت به فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جهت تبلیغ از دین اسلام در حبشه.

نمونه هائی از مهمترین اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در دو سال اول حضور در حبشه

کارکردهای نیک جعفر بن ابیطالب (ع) در طول دو سال اول حضورش در حبشه، گویای این حقیقت است که این شهید والا مقام، با بهره وری از شیوه های متنوع، موفق به انجام اقدامات فرهنگی متعددی شده است؛ در ادامه این نوشته، به بازخوانی مهم ترین آنها بسنده می شود:

محاجه و به چالش کشاندن فرستاده قریش (= عمرو عاص)

کفار قریش پس از مطلع شدن از مهاجرت جمعی از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب (ع) به حبشه؛ «عمرو بن عاص» و «عُمَارَةُ بْنُ الْوَلِيدِ» را همراه با هدایائی به نزد پادشاه حبشه (نجاشی) فرستادند تا وی را راضی کنند که مسلمانان مهاجر را به مکه بازگرداند و آنان را به کفار قریش تحویل دهد.

عمرو عاص در ملاقات با نجاشی گفت: «ای پادشاه ما فرستاده بزرگان مکه ایم. عده ای از قوم ما، از دین و آیین خود برگشته و خدایان ما را دشنام می دهند. از شما می خواهیم که آنها را به ما بسپاری تا به محل خود بازگردانیم.»

نجاشی کسی را فرستاد و جعفر (ع) را به حضور طلبید. در جلسه ای که جمعی از دانشمندان مسیحی، نمایندگان قریش و آن حضرت به نمایندگی مسلمانان حضور داشتند، نجاشی از جعفر (ع) خواست تا او نیز نظر خود را بیان کند.

جعفر (ع) پس از ادای احترام گفت: ای پادشاه، از این ها پرسید که آیا ما بردگان فراری آنها هستیم؟ عمرو گفت: نه، اینان آزاد هستند. جعفر گفت: از اینان پرسید: آیا دینی بر ذمه ما دارند که نپرداخته ایم و اینک آن را از ما مطالبه می کنند؟ عمرو

گفت: نه، ما هیچ گونه مطالبه ای از شما نداریم. جعفر پرسید: آیا خونی از شما ریخته ایم که آن را از ما می طلبید؟ عمرو گفت: نه چنین نیست. جعفر پرسید: پس از ما چه می خواهید؟ آیا غیر از این است که ما را در شهر خود آزار و شکنجه دادید و ما به خاطر خلاصی ازادیت شما از دیار خود بیرون آمدیم؟! عمرو عاص گفت: «ای پادشاه اینان از دین و آیین خود برگشته و خدایان ما را دشنام می دهند. و جوانان ما را فاسد کرده اند و در میان مردم تخم تفرقه پاشیده اند از شما می خواهیم که آنها را به ما بسپاری تا به محل خود بازگردانیم.»

طبق نقل مورخان، نجاشی (حاکم وقت حبشه)، پس از مشاهده محاجّه و گفتمان منطقی جعفر بن ابیطالب (ع) با فرستاده کفار قریش در این جلسه، و استماع سایر سخنان وی در جلسه دیگر؛ مشرکان مکه را که با هدایائی نزد نجاشی آمده بودند تا مسلمانان را نپذیرد، از حبشه اخراج کرد و مسلمانان، تا سال ششم هجرت، با امنیت کامل در آن سرزمین زندگی کردند. بدین ترتیب، نمایندگان قریش در اقدام خود ناکام ماندند.

ابوالحسن علی معروف به «واحدی نیشابوری» گوید: «نجاشی مسلمانان را حزب ابراهیم خطاب کرد و با بی اعتنایی به اعتراض فرستادگان قریش که خود را حزب ابراهیم دانستند، آنان را با هدایایشان بازگرداند. قرآن کریم در سوره آل عمران، این جریان را برای رسول خدا (ص) حکایت کرد و بر ایمان و درستی عقیده جعفر و دیگر مهاجران گواهی داد.»

بازگویی بخشی از آورده های بنیادین بعثت نبوی

مفسران و محدثان آورده اند: پس از آنکه «عمرو عاص» (نماینده کفار قریش)، خطاب به «نجاشی» گفت: آن ها را به ما بازگردان تا به کار خودمان فیصله دهیم و تفرقه را از میان ببریم؛ جعفر (ع) در خطاب به «نجاشی» چنین گفت: آری ای پادشاه! ما با آنها مخالفت ورزیدیم؛ زیرا پروردگار برای ما پیامبری فرستاد که ما را به ترک بتان و ترک بهره جویی از راه قمار و

اقامه نماز و دادن زکات فرمان داد و ظلم و جور و ریختن خون به ناحق و زنا و ربا و مردارخواری و خون و گوشت خوک را بر ما حرام کرد و ما را به عدل و نیکی و احسان و کمک به خویشان دستور داد و از فحشا و منکر و ظلم و بی‌عدالتی نهی کرد. ناگفته پیداست: بازگویی بخشی از آموزه‌ها و آورده‌های بعثت نبوی، در جلسه‌ایکه غالب حاضران در آن، از سران و پیروان مذهب مسیحیت هستند؛ اقدام آسانی نبود؛ اما جعفر (ع)، با شهامتی سرشار از صداقت، اقدام به این امر مهم نمود؛ و با درایتی خاص، به تبلیغ از آموزه‌های بنیادین دین اسلام، و به بازگویی بخشی از دستورات دین اسلام پرداخت؛

قرائت آیاتی مناسب از قرآن کریم

طبق نقل برخی از مفسران؛ در ادامه جلسه، نجاشی از جعفر پرسید: آیا چیزی از آیاتی که بر پیامبر شما نازل شده است، را از حفظ داری؟ جعفر گفت: آری، سپس شروع به خواندن سوره مریم کرد؛ تا قرائت جعفر (ع) به آیه «وَهَٰؤُلَآءِ اِلَٰلِهٌ بَدَّلَ اَلَّذِیْنَ کَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ اَسْمَآءَ اِلَٰهِهِمْ لِيَحْمِلُوْا اِسْمَآءَ اِلَٰهِهِمْ اَلَّذِیْنَ کَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ» رسید، نجاشی سخت گریست و گفت: به خدا سوگند، نشانه‌های حقیقت در این آیات نمایان است. نکته شایان توجه اینک: طبق نقل مفسرانی همچون «علی بن ابراهیم قمی» و «فضل بن حسن طبرسی» عمروعاص (نماینده کفار قیش)، پس از مشاهده این عکس‌العمل نیک نجاشی در قبال تلاوت آیه مذکور؛ مجدداً در جهت تکذیب مهاجران به حبشه (ع)، خطاب به نجاشی گفت: ای پادشاه، این (جمعیت) مخالف آیین ما هستند. ما از تو می‌خواهیم که آنها را بازگردانی. نجاشی دست خود را بلند کرد و آن را محکم به صورت عمرو نواخت، و گفت: خاموش، به خدا قسم، اگر بیش از این در مذمت این جمعیت سخن بگویی تو را مجازات خواهیم کرد.

طبق این نقل، در شیوه اقدام فرهنگی (و تبلیغ دینی) حضرت جعفر (ع)، تقدم نهی از منکر کاملاً مشهود است؛ به سخن دیگر: این شیوه کارآمد تبلیغی، حاکی از این است که ابتداء می‌بایست، مانع را از بین برد تا زمینه برای اثرگذاری مطلوب؛ یعنی پذیرش آموزه‌های دینی فراهم شود.

بازگویی شش شاخصه مهم و اساسی «جاهلیت اولی»

در آیات متعددی از قرآن کریم، شاهد کاربرد تعبیر ترکیبی «جاهلیت اولی»، هستیم؛ در هریک از این آیات، به ویژگی خاصی همچون: گمان جاهلی، حکم جاهلی، خودنمایی جاهلی، حمیت و عصیّت جاهلی توجه داده شده است. به نظر می‌رسد قرآن کریم در پرتو آیات مورد اشاره؛ علاوه بر چهار ویژگی مردم دوران جاهلیت، به برخی از سنت‌ها و رسوم جاهلی نیز اشاره نموده و امت اسلامی را از آنها بر حذر داشته است؛ مانند: جابه‌جا کردن ماه‌های حرام، ربا خواری، استقسام به اِزْلام، ظهار به گونه‌ای که حرمت ابدی در پی داشته باشد، کشتن فرزندان از بیم فقر، زنده به گورکردن دختران، و فرزند خوانده را بسان فرزند واقعی دانستن.

جعفر بن ابیطالب (ع) با آگاهی کامل از رسم مردم جاهلی؛ و با شناخت دقیق از بعد سازندگی آموزه های قران کریم و آورده های مکتب نبی اکرم (ص)، از فرصت پیش آمده، بهره کافی برد؛ و در بخشی از گفتمان خود با نجاشی، به ذکر شش شاخصه اصلی جاهلیت اولی پرداخت.

طبق نقل ابن الحدید، زمانی که جعفر بن ابی طالب با نجاشی سخن گفت؛ در بخشی از گفتارش به بیان شش شاخصه اصلی «جاهلیت اولی» پرداخت و چنین فرمود: «ای پادشاه همانا ما در جاهلیت، قومی بودیم که بت ها را می پرستیدیم و مردار می خوردیم و فواحش را انجام می دادیم، و قطع رحم می نمودیم، همسایگان را فراموش می کردیم، و قوی ما از ضعیف می خورد؛ و ما بر این روش بودیم تا خدای عز و جل بر ما رسولی از خودمان مبعوث نمود که نسب، صداقت، امانت داری و پای بندی به عفاف او را می شناسیم، و او ما را فراخواند تا خدای را یگانه دانسته و او را پرستیم، و خویش را از آنچه ما و پدرانمان بر آن بودیم (از پرستش سنگ و بتان) رها سازیم، و به ما فرمان داد تا راستگویی در گفتار و اداء امانت و صلّه رحم و حسن همجواری را پیشه کنیم؛ و ازارتکاب محارم و خون ریزی و سایر فواحش و قول زور [باطل] و اکل مال یتیم و قذف محصنه نهی مان نمود؛ و به ما امر نمود که خدا را پرستیم و به او چیزی را شریک نگیریم و به انجام نماز و زکات و روزه امرمان نمود.».

نکته شایان ذکر اینکه: متأسفانه همین شاخصه های «جاهلیت اولی» و بلکه بدتر از آنها در وضعیت فعلی جوامع بشری، و در «جاهلیت مُدرن» نیز، در حال بروز و اجراء می باشد؛ امید آن می رود، این تحقیق، هم در بیان ملاک در عرصه موضوع یابی فساد و نمادهای جاهلیت در عصر حاضر، موفق بوده باشد؛ و هم در بعد ارائه راهکار، به یافته ای مطلوب و کاربردی از سیره حضرت جعفر طیار (ع) ارایه دست یافته باشد.

شواهد حاکی از مؤفقیت جعفر بن ابیطالب (ع) در عرصه اقدامات فرهنگی

با تتبع در متون تاریخی، حدیثی، و تفسیری حاکی از اقدامات فرهنگی جعفر بن ابیطالب (ع) در طول سالهای حضور در حبشه (بوژه در دوسال اول)، به این حقیقت دست می یابیم که این صحابه نبوی، در طریق انجام این تلاشهای نیکش، موفق بوده است؛ و وجود محدودیت ها و عدم برخورداری از امکانات لازم، مانع از دست یابی او به نتایج مطلوب نشده است؛ از امور ذیل می توان شاهدی بردرستی مدعا یاد نمود.

خشنودی رسول خدا ص از بازگشت جعفر طیار (ع) از سفر حبشه و مجموعه کارکردهایش

مضمون پاره ای از نقل های تاریخی و حدیثی این است که پیامبر (ص) به هنگام بازگشت جناب جعفر (ع) از حبشه، به استقبال او آمده است، و بین دو چشم او را بوسیده است و این جمله را نیز فرموده اند: نمی دانم به کدام یک از این دو خوشحالی کنم، به بازگشت جعفر یا به فتح خیبر.

به موجب نقلی، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سهمی از غنایم جنگ بدر را برای جعفر، که در آن زمان در حبشه بود، کنار گذاشت. نیز به رغم عدم حضور جعفر و دیگر مهاجران به حبشه، در غزوه خیبر، سهمی از غنایم آن را بدانان اختصاص داد.

گرایش نجاشی و جمعی از مسیحیون حبشه به اسلام

در گزارش بازگشت جعفر بن ابی طالب (ع) و همراهانش از حبشه به مدینه آورده اند: « علاوه بر مسلمانان، هشت نفر از شامیان که در میان آنها یک راهب مسیحی بود و تمایل شدید به اسلام پیدا کرده بودند، خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدند و آنان پس از شنیدن آیات سوره «یس» به گریه افتاده، و مسلمان شدند و گفتند: چقدر این آیات به تعلیمات راستین مسیح (علیه السلام) شباهت دارد».

طبق روایتی که در «تفسیر المنار» از «سعید بن جبیر» نقل شده: «نجاشی» سی نفر از بهترین یاران خود را به عنوان اظهار علاقه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آئین اسلام به «مدینه» فرستاد، و همان ها بودند که با شنیدن آیات سوره «یس» گریستند و اسلام را پذیرفتند. آیات ۸۲ تا ۸۶ سوره «مائد» نازل شد و از این مؤمنان تجلیل کرد.

اقدامات فرهنگی شایسته جعفر بن ابیطالب (ع) در در دو سال اول حضور در حبشه؛ حاکی از این است که در سیره این صحابه نیک نبوی، دین مداری، و جهاد تبیین، امری ضروری محسوب میشده؛ زیرا در غیر اینصورت، نه هجرت به حبشه اتفاق می افتاد، و نه محاجه با نماینده قریش در مجلس نجاشی، و نه بازگویی آورده های بنیادین بعثت نبوی، و نه برشمردن شاخصه های جاهلیت اولی و ثلاث آیات مناسب با فضای مجلس نجاشی؛ در عصر حاضر نیز می توان با الگو گیری از منش و رفتار حضرت ذو جنابین، در برابر شیخون فرهنگی دشمن برخاستگاه ولایت پذیری و تکلیف مداری، موضعگیری مناسب نمود و به دفع فساد و هجمه های فرهنگی پرداخت.

نتایج حاصل شده از این تحقیق، حاکی از گزاره های زیر است:

- ۱- خاستگاه تکلیف مداری در شخصیت جعفر طیار، نمادی از ولایت مداری او نسبت به نبی اسلام (ص) بود.
- ۲- ساحت تکلیف مداری در اقدام فرهنگی حضرت جعفر طیار در حبشه، معلول توجه وی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده است
- ۳- در جهت اثبات موفقیت جعفر بن ابیطالب (ع) در عرصه تبلیغ گفتاری و عملی از اسلام، می توان از اموری همچون: گرایش نجاشی و جمعی از مسیحیون حبشه به اسلام، و نیز اظهار رضایت و خشنودی نبی اکرم (ص) به هنگام استقبال از او، و... یاد نمود.
- ۵- ولایت پذیری و تکلیف مداری در منش و رفتار حضرت جعفر (ع)، می تواند الگویی برای اقدامات فرهنگی مجموعه های متدینین در دوره کنونی باشد.

پس از ارائه تفصیلی، ناقد اول حجت الاسلام محمدصادق اخوان در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- دغدغه نویسندگان محترم در باب شیخون فرهنگی قابل تقدیر است.
- تمام رسالت انبیاء فرهنگی بوده است، حتی حضرت ابراهیم (ع) عملکرد فرهنگی داشت.

- در پردازش های تاریخی استناد به متاخرین وجهی ندارد.
 - دو خواستگاه اقدامات جناب جعفر:
 - ۱- ولایت پذیری: به کدام استناد است. مستندات را بیان کنید.
 - ۲- باید در عنوان فرهنگی بیشتر پرداخته می شد.
 - در عنوان مقاله دوسال توجیهی ندارد. محاجه با نجاشی در دو سال اول نبوده، بعد از غزوه بدر بوده است.
 - جناب ضمیری جزو مشرکین بوده و سفیر کردنشان بعد از احزاب بوده است.
 - پیشنهاد می شود که مساله ولایت مداری طور دیگری بیان شود.
 - مساله دو سال در عنوان مقاله بازتر شود و با دقت تدوین گردد.
- در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر حسن صادقی پناه به موارد زیر پرداختند:
- مقاله یک نوشته با استانداردهای علمی است.
 - قلم روان، تتبع خوب، رعایت اصول و ساختار روش تحقیق در تمام فرآیند مقاله از ویژگی های مقاله می باشد.
 - جا دارد نویسندگان با نگاه تکمیلی بخش های مختلف را کامل نمایند. بیشتر در مقاله نقل را شاهد هستیم. در جاهایی که تحلیل می شود انجام داد تحلیل انجام پذیرد.
 - ارجاعات علمی باید کامل تر گردد تا خواننده با مراجعه به آن کامل شود.
 - باید به کتاب الجمیل محمد بن فارس مراجعه شود که این کتاب به مقاله می تواند کمک کند.
 - ضروری است شواهد و ادله در انتخاب واژه فرهنگ را مشخص فرمایید.
 - آیا می توانیم بگوییم متمم اقدامات جناب جعفر دینی بوده است.
 - در تعیین دو خواستگاه اقدامات جناب جعفر، چرا فقط به این دو خواستگاه پرداخته شده است.
 - قضیه امر به معروف به عنوان یکی از خواستگاه ها، باید محل دقت قرار بگیرد.
 - بر شماری اقدامات فرهنگی باید دو دسته شود، علمی و عملی و به آن پرداخته شود.
 - آیا عبارت قدوم دلالت به دستاورد دارد.
- در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.